

زمینه های مشترک

آنچه در این فصل
خواهید آموخت:

- یک سری اصول و مفاهیم برای درک و فهم بهتر علم اقتصاد و اینکه افراد چگونه تصمیم می گیرند.
- یک سری اصول و مفاهیم برای درک و فهم بهتر ارتباط بین انتخاب ها و تصمیم های افراد با هم.
- یک سری اصول و مفاهیم برای درک و فهم بهتر تعاملات کلان اقتصادی.

جاهای مختلف سفر کنید یا اینکه پولتان را خرج خرید ماشین کنید و یا می توانید تلفن همراه قدیمی خود را که هنوز کار می کند داشته باشید یا مقداری از پولتان را صرف خرید یک موبایل جدید کنید. شناخت و درک علت این انتخاب هاست که به شما کمک می کند تا با اصول علم اقتصاد آشنا شوید. با این همه درک اینکه اقتصاد چگونه کار می کند فقط از طریق فهم انتخاب های فردی امکان پذیر نیست چرا که ما مثل رایبسون کروژونه نیستیم که در یک جزیره دورافتاده به تنهایی زندگی می کرد؛ بلکه در جامعه و در محیطی زندگی می کنیم که به شدت بر ما تأثیرگذار است و تصمیم ها و انتخاب های ما هم تحت تأثیر تصمیم ها و انتخاب های دیگران قرار دارد. در این فصل ما به دوازده اصل کلیدی علم اقتصاد اشاره خواهیم کرد که چهارتای آنها به انتخاب های فردی، چهار اصل به ارتباط بین انتخاب های افراد با هم و سه اصل هم به تعاملات کلان اقتصادی مربوط می شوند.

هر ساله کنفرانس های ملی و بین المللی بسیاری در سرتاسر جهان با موضوع اقتصاد برگزار می شود که در آنها تعداد بسیار زیادی از کارشناسان و صاحب نظران، بازرگانان، ژورنالیست ها و اقتصاددانان شرکت می کنند که هر کدام در یک حوزه مرتبط با اقتصاد تخصص و تسلط دارند در حالی که در مورد سایر حوزه های اقتصادی بی اطلاع یا کم اطلاع هستند. حال سؤال اینجاست که این افراد در چه چیزی اشتراک نظر دارند که همگی آنها را به سمت شرکت در این کنفرانس ها می کشاند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت دلیل اصلی شرکت این افراد در کنفرانس های اقتصادی این است که تمام تحلیل های اقتصادی بر پایه یک سری اصول و مبانی مشترک بنیان گذاشته شده اند که در موضوعات مختلفی مصداق پیدا می کنند. بعضی از این اصول با انتخاب های فردی در ارتباط هستند. به عنوان مثال، شما می توانید پولتان را پس انداز کنید و با اتوبوس به

اصولی که با انتخاب‌های فردی پیوند خورده‌اند: هسته اصلی علم اقتصاد

هر موضوع اقتصادی مهمی در بنیادی‌ترین سطح خود با انتخاب‌های فردی^۱ در ارتباط است. تصمیم‌هایی که افراد اتخاذ می‌کنند تا مشخص کنند چه کاری باید انجام دهند و چه کاری را انجام ندهند.

اصل شماره ۱:

انتخاب‌ها ضروری و گریزناپذیر هستند چرا که منابع محدود و کمیاب هستند

شما نمی‌توانید هر آنچه را که می‌خواهید به دست آورید و داشته باشید و در نتیجه مجبورید از بین چیزهایی که می‌خواهید و به آنها نیاز دارید یک یا چند مورد را انتخاب کنید چرا که درآمد و پولتان محدود است و شما نمی‌توانید با پولی که در اختیار دارید همه چیز بخرید. علاوه بر محدود بودن پول و منابع مالی، شما با محدودیت زمان هم مواجه هستید و باید برای گذراندن وقت محدودی که در اختیار دارید دست به انتخاب بزنید و وقتتان را به انجام یک سری کارهای مشخص اختصاص دهید.

منابع چیزهایی هستند که ما برای تولیدات مختلف به آنها نیاز داریم. فهرست منابع مربوط به اقتصاد معمولاً شامل مواردی همچون زمین، نیروی کار، سرمایه (شامل ماشین‌آلات، ساختمان‌ها و سایر دارایی‌های مولد ساخته دست بشر) و سرمایه انسانی (شامل دستاوردهای آموزشی و مهارت‌های کارگران) می‌شود. آنچه مسلم و قطعی است این است که منابع کمیاب و محدود هستند چرا که منابع کافی برای برآورده ساختن تمام نیازها و خواسته‌های تمام مردم دنیا وجود نداشته و ندارد و نخواهد داشت.

کمیاب بودن منابع بدان معناست که جامعه به عنوان یک کل می‌بایستی دست به انتخاب بزند. این انتخاب جامعه در نتیجه شکل‌گیری انتخاب‌های فردی شهروندان اتفاق می‌افتد و این دقیقاً همان رخدادی است که در اقتصادهای بازار آزاد به وقوع می‌پیوندد. به عنوان مثال، هر کدام از میلیون‌ها نفری که در آمریکا زندگی می‌کنند دارای انتخاب‌های فردی خاص خودشان در ارتباط با این هستند که چه چیزهایی را چه موقع و کجا بخرند. برآیند کلی این انتخاب‌هاست که انتخاب‌های جامعه آمریکا را به عنوان یک کل شکل می‌دهد.

اصل شماره ۲:

هزینه واقعی هر چیزی همان هزینه فرصت آن است

اگر شما پس از بررسی‌های فراوان به دو گزینه خیلی خوب و مطلوب خود رسیده باشید و مجبور باشید یکی

انتخاب‌های فردی تصمیم‌هایی هستند که افراد اتخاذ می‌کنند تا مشخص کنند چه کاری باید انجام دهند و چه کاری را انجام ندهند.

منابع چیزهایی هستند که ما برای تولیدات مختلف به آنها نیاز داریم.

منابع **کمیاب** و محدود هستند چرا که منابع کافی برای برآورده ساختن تمام نیازها و خواسته‌های تمام مردم دنیا وجود ندارد.



▲ مارک زاکربرگ کسی است که اصل هزینه فرصت را به خوبی درک کرد.

از آن دورا به عنوان گزینه نهایی خوب برگزینید، عدم انتخاب آن گزینه دیگر و صرف نظر کردن از آن همان چیزی است که اقتصاد دانان به آن **هزینه فرصت** می‌گویند.

بر اساس اصل هزینه فرصت، باید دانست که هزینه فرصت یک چیز که در واقع آن چیزی است که شما باید به خاطر به دست آوردنش از آن صرف نظر کنید، هزینه واقعی آن است.

توجه به اصل هزینه فرصت برای فهم و درک بهتر انتخاب‌های فردی ضروری و حیاتی است چرا که تمام هزینه‌ها در نهایت هزینه فرصت هستند آن هم به این دلیل ساده که شما با انتخاب هر گزینه‌ای از سایر گزینه‌های مطلوب خود صرف نظر کرده و در نتیجه از مزایای آنها محروم خواهید شد.

گاهی اوقات پولی که شما مجبورید به واسطه انتخاب یک گزینه پرداخت کنید یک نشانگر و معیار خوب و شفاف برای تعیین هزینه فرصت آن انتخاب محسوب می‌شود؛ اما خیلی وقت‌ها این گونه نیست و پول تمام ماجرا را برای شما روشن نمی‌کند. به عنوان مثال، رفتن به دانشگاه و شروع تحصیلات دانشگاهی را در نظر بگیرید. هر دانشجویی باید برای تحصیل در دانشگاه یک سری هزینه پرداخت کند از جمله هزینه شهریه و هزینه خوابگاه که دو هزینه پولی عمده‌ای هستند که هر دانشجویی باید آنها را بپردازد. حال تصور کنید که یک دانشجو از پرداخت این دو هزینه معاف شده باشد و نیازی به پرداخت هزینه شهریه و خوابگاه نداشته باشد. آیا در این حالت تحصیل در دانشگاه برای چنین دانشجویی بدون هزینه است؟ پاسخ این سؤال حتی با این فرض که آن دانشجو یک سنت هم خرج دانشگاه نکند منفی است چرا که حضور آن فرد در دانشگاه باعث می‌شود تا شغلی نداشته باشد و شغل نداشتن برای او هزینه‌زا خواهد بود؛ بنابراین رفتن به دانشگاه به معنای چشم‌پوشی دانشجویان از درآمدی است که می‌توانستند در صورت کار کردن و اشتغال کسب کنند و این یعنی اینکه هزینه فرصت حضور دانشجویان در دانشگاه عبارت است از هزینه شهریه، هزینه خوابگاه به علاوه حذف درآمدی که می‌توانستند به واسطه اشتغال و کار کردن به دست بیاورند.

به طور کلی به نظر می‌رسد هزینه فرصت رفتن به دانشگاه برای افرادی مانند مارک زاکربرگ، بنیان‌گذار فیسبوک یا لبرون جیمز، فوق ستاره دنیای بسکتبال بسیار بالا بوده که آنها را بر آن داشته تا یا اصلاً به دانشگاه نروند یا اینکه خیلی زود آنجا را ترک کنند و به سراغ کار کردن بروند.

اصل شماره ۳:

«چقدر» تصمیمی است که در حاشیه است و همه چیز نیست

بسیاری از تصمیم‌های مهم از نوع انتخاب‌های «یا این یا آن» هستند. به عنوان مثال، اگر دانشجویی دو درس شیمی و اقتصاد را در یک ترم انتخاب کرده باشد، هر گونه بیشتر وقت گذاشتن برای هر کدام از این دو

هزینه واقعی یک چیز همان **هزینه فرصت** آن است؛ یعنی آنچه که شما بایستی برای به دست آوردن یک چیز، از آن صرف نظر کنید.

درس به معنای کمتر وقت گذاشتن برای درس دیگر خواهد بود و آن دانشجو ناگزیر خواهد بود یکی از این دو رافدای دیگری کند و در این حالت، تلاش برای گرفتن نمره بالاتر در هر کدام از این دو درس باعث خواهد شد احتمال گرفتن نمره بالا در درس دیگر کاهش پیدا کند. در اینجا است که ما با اصل دیگری به نام اصل سبک سنگین کردن یا فدا کردن یکی به خاطر دیگری روبرو هستیم که مقایسه‌ای است بین هزینه‌ها و مزایا. در اینجا موضوع اصلی فقط این نیست که ما چقدر وقت برای رسیدن به یک چیز صرف کنیم؛ بلکه موضوع اصلی این است که ما چه چیزی را به چیزهای دیگر ترجیح دهیم و چه چیزی را فدا می‌کنیم. به تصمصیم‌هایی از این نوع که در آن باید بین دو چیز یکی را برگزید و آن را به دیگری ترجیح داد تصمصیم‌های نهایی^۱ گفته می‌شود و به مطالعه و بررسی‌های لازم برای اتخاذ چنین تصمصیم‌هایی نیز تحلیل‌های نهایی^۲ گفته می‌شود.

بسیاری از سؤالاتی که ما در عرصه اقتصاد - و همچنین زندگی واقعی - با آن روبرو هستیم و بایستی به آنها پاسخ دهیم نیازمند تحلیل‌های نهایی هستند از جمله: من باید چند کارگر را در مغازه‌ام استخدام کنم؟ یا بعد از چند کیلومتر باید روغن موتور ماشینم را عوض کنم؟ در واقع، تحلیل‌های نهایی به این دلیل نقش کلیدی و محوری در اقتصاد بازی می‌کنند که به ما کمک می‌کنند تصمصیم بگیریم یک کار یا فعالیت را چقدر و به چه میزان انجام دهیم.

اصل شماره ۴:

افراد معمولاً نسبت به محرک‌ها پاسخ می‌دهند و به دنبال بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌ها هستند

هنگامی که شما سعی می‌کنید پیش‌بینی کنید افراد چگونه رفتار خواهند کرد و دست به چه انتخاب‌هایی خواهند زد خوب است که به این واقعیت توجه داشته باشید که افراد همیشه و در همه حال به محرک‌ها و چیزهایی که برایشان انگیزه‌بخش است واکنش نشان می‌دهند چرا که همیشه به دنبال بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های موجود هستند و تا آنجا که بتوانند به استفاده از این فرصت‌ها ادامه می‌دهند و اقتصاددانان هم به خوبی از این خصلت افراد آگاهی دارند.

به عنوان مثال، اگر دولت بخواهد برنامه کاهش آلودگی را به طور جدی و فراگیر دنبال کند و تولیدکنندگان را متقاعد به مشارکت در این برنامه نماید می‌بایستی یک سری محرک‌ها و انگیزه‌های دائمی و قابل توجه برای آنها در نظر بگیرد تا با کمک آنها بتواند برنامه مورد نظر خود را اجرا کند و علاوه بر این به آنها این اجازه را نیز بدهد تا از فرصت‌هایی که اجرای این برنامه برایشان به وجود می‌آورد بهره ببرند.

همان‌طور که در مقدمه نیز گفته شد اقتصاد یک سیستم است برای هماهنگ‌سازی فعالیت‌های

به تصمصیم‌هایی که در آن باید بین دو چیز یکی را برگزید و آن را به دیگری ترجیح داد **تصمصیم‌های نهایی** گفته می‌شود و به مطالعه و بررسی‌های لازم برای اتخاذ چنین تصمصیم‌هایی **تحلیل‌های نهایی** گفته می‌شود.

افراد همیشه و در همه حال به دنبال **محرک‌ها** و بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های موجود هستند

مطالعه موردی

برای ذهن‌های جستجوگر



افراد همیشه و در همه حال به دنبال محرک‌ها و بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های موجود هستند.

به دست آمد یعنی جایی که دانش‌آموزان به واسطه دریافت مشوق‌های پولی نمرات بسیار بالاتری نسبت به قبل کسب کردند و جهش‌های خیره‌کننده‌ای در کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی شان را به ثبت رساندند.

بررسی‌های کلی بر روی نتایج این تحقیق نشان داد که ارائه مشوق‌های پولی که عمدتاً به صورت اسکناس‌های یک دلاری بود دارای تأثیر بیشتری بر روی بهتر شدن عملکرد تحصیلی و رفتار دانش‌آموزانی شد که در مناطق کمتر برخوردار و دورافتاده مشغول به تحصیل بودند حال آنکه این تأثیرگذاری مثبت در دانش‌آموزان نیویورکی که در منطقه‌ای مرفه‌تر زندگی می‌کردند ناچیز بود.

تحقیق دوم؛ یعنی تحقیق لویت که بر روی حدود هفت هزار نفر از دانش‌آموزان در شیکاگو انجام شد نیز به نتایج مشابهی منجر شد به طوری که اثبات شد ارائه مشوق‌های پولی به دانش‌آموزان در حال تحصیل در مناطق دورافتاده‌تر و فقیرتر دارای اثربخشی مثبت قابل توجهی است. علاوه بر این، تحقیق لویت نشان داد که با افزایش یافتن میزان مشوق‌های پولی به ۱۰ دلار و ۲۰ دلار، عملکرد تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزانی که این مشوق‌های بیشتر شده را دریافت کرده بودند به همان اندازه بهتر شد.

به طور کلی، هر دوی این تحقیق‌ها نشان دادند که محرک‌ها و انگیزه‌ها می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر بروز رفتارها و عملکردها داشته باشند البته به شرطی که این محرک‌ها به درستی و به شکلی حساب شده طراحی شده باشند و یک رابطه معنادار و درست بین تلاش افراد و نتایجی که کسب می‌کنند وجود داشته باشد و این محرک‌ها به موقع و به شیوه درستی نشان داده شوند.

پاداش حقیقی فرایند آموزش و تحصیل یک چیز است و آن یادگیری است. با این حال، دانش‌آموزان برای درس خواندن و سخت‌کوشی به محرک‌های دیگری غیر از یادگیری نیز نیاز دارند به ویژه دانش‌آموزانی از مناطق محروم و دورافتاده یا متعلق به خانواده‌های کم‌درآمد و فقیر.

دو تحقیق، یکی در سال ۲۰۰۹ توسط رونالد فرایر از دانشگاه هاروارد و دیگری در سال ۲۰۱۱ توسط استیو لویت از دانشگاه شیکاگو بر روی تأثیر محرک‌ها و مشوق‌های پولی بر عملکرد دانش‌آموزان انجام شد که به نتایج جالب توجهی منجر شد. هر دوی این تحقیق‌ها نشان دادند که مشوق‌های پولی به صورت پاداش‌های نقدی می‌تواند بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزانی که در مناطق نابرخوردار و حاشیه‌ای مشغول به تحصیل هستند یا به خانواده‌های کم‌درآمد تعلق داشتند تأثیر مثبت داشته باشد.

در تحقیق فرایر، دانش‌آموزان چهار مدرسه در چهار منطقه جغرافیایی مختلف مورد بررسی قرار گرفتند که عبارت بودند از نیویورک، واشنگتن، شیکاگو و دالاس. در نیویورک به دانش‌آموزان مورد بررسی بر اساس نمراتشان در آزمون‌های استاندارد پول پرداخت شد، در شیکاگو بر اساس نمراتی که کسب کرده بودند به آنها پول پرداخت شد، در واشنگتن بر اساس میزان حضورشان در کلاس‌ها و همچنین بر اساس رفتاری که از خود نشان می‌دادند به آنها پول پرداخت شد و در دالاس در ازای هر بار که کتاب می‌خواندند به آنها پول پرداخت شد.

پس از جمع‌آوری اطلاعات مربوط به عملکرد این گروه منتخب از دانش‌آموزان در این چهار مدرسه، عملکرد آنها با سایر دانش‌آموزان مدرسه که چنین مشوق‌هایی را دریافت نکرده بودند مقایسه و مشخص شود که اعطای مشوق‌های پولی به دانش‌آموزان در نیویورک تأثیر چندانی بر نمرات دانش‌آموزان نداشته است حال آنکه در شیکاگو این تأثیرگذاری قابل توجه بود و دانش‌آموزانی که پول دریافت کرده بودند هم نمرات بالاتری کسب کردند و هم بیشتر در کلاس‌ها حضور داشتند. در واشنگتن اجرای این برنامه موجب بهتر شدن نتایج کسب شده توسط بچه‌هایی شد که از مناطق دورافتاده و محروم می‌آمدند و یا دارای مشکلات رفتاری بودند.

در این میان، بیشترین و جالب‌ترین نتایج در دالاس



▲ هزینه و پیامد اصلی اجرای سیاست تک‌فرزندی در چین در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ عبارت بود از نسلی از دختران ناپدیدشده که با بهتر شدن شرایط اقتصادی این کشور در دو دهه اخیر این داستان پایان پذیرفت.

پسر یا دختر؟ بستگی به هزینه دارد!

واقعیت این است که چین یک کشور بزرگ و بسیار پرجمعیت است و به عبارت بهتر پرجمعیت‌ترین کشور جهان. در سال ۱۹۷۸ که دولت چین تصمیم گرفت سیاست تک‌فرزندی را به مرحله اجرا درآورد این کشور بسیار فقیر بود و رهبران چین نگران بودند در صورت ادامه یافتن نرخ رشد بالای آن سال‌ها نتوانند برای جمعیت در حال انفجار این کشور امکانات تحصیلی و بهداشتی و حتی غذا فراهم کنند. در آن سال‌ها میانگین فرزندآوری هر زن چینی نزدیک به پنج فرزند بود یعنی اینکه هر زن چینی به طور متوسط پنج بچه به دنیا می‌آورد. بنابراین دولت چین تصمیم گرفت این روند را با اجرای سفت و سخت سیاست تک‌فرزندی کنترل کند و در این بین موفق هم شد به طوری که تا سال ۲۰۱۱، میانگین فرزندآوری زنان چینی به عدد ۱/۶ رسید.

اما اجرای سیاست تک‌فرزندی در چین پیامدهای اجتماعی و جمعیتی ناخواسته‌ای به دنبال آورد که پای اقتصاد در این میان دیده می‌شود. موضوع از این قرار بود که در آن سال‌ها بخش عمده‌ای از جمعیت چین در مناطق روستایی زندگی می‌کردند و عمدتاً کشاورز بودند و در نتیجه وجود فرزند پسر در خانواده برای بسیاری از زوج‌های چینی یک موهبت و فرصت و وجود فرزند دختر یک دردسر و تهدید به شمار می‌آمد چرا که فرزندان پسر نه تنها می‌توانستند در کارهای کشاورزی به والدین خود کمک کنند؛ بلکه در دوران کهن سالی پدر و مادرشان هم می‌توانستند و حق داشتند از والدین خود نگهداری کنند و والدین هر پسر جزو اعضای خانواده جدید او نیز به حساب می‌آمدند حال آنکه دختران فاقد چنین امتیازاتی بودند و در نتیجه تعداد زیادی از دخترانی که در دوران اجرای سیاست تک‌فرزندی در چین به دنیا می‌آمدند در سال‌های اول زندگی‌شان به خاطر مسائلی همچون بی‌توجهی والدین یا بدرفتاری آنها «ناپدید می‌شدند» یا به عبارت بهتر می‌مردند. البته این شرایط پس از تغییر و تحولات اقتصادی در چین و افزایش جمعیت شهرنشین و رشد صنعتی و اجتماعی این کشور تا حد زیادی دگرگون شد و عدم توازن بین دختران و پسران در چین به تدریج برطرف شد.

خودآزمایی ۱-۱

۱. توضیح دهید هر کدام از موقعیت‌های زیر بیانگر کدام یک از چهار اصل مرتبط با انتخاب‌های فردی است:

الف. بار سوم است که شما به رستورانی می‌روید که پس از پرداخت ورودی ثابت می‌توانید هر چه که بخواهید در آنجا غذا بخورید. بعد از خوردن کلی غذا شما کاملاً احساس سیری می‌کنید؛ اما چون هر غذای بیشتری بخورید برای شما رایگان تمام می‌شود ترجیح می‌دهید به جای خوردن پای سیب یک تکه کیک شکلاتی بخورید.

ب. حتی اگر منابع بیشتری در جهان وجود داشته باشد، باز هم منابع کمیاب خواهند بود.

ج. برای تصمیم‌گیری در مورد تعداد ساعاتی که شما در هفته ورزش کنید به این فکر می‌کنید که فواید هر یک ساعت بیشتر ورزش کردن بر سلامت تان چه رابطه‌ای با پیامدهای منفی ناشی از هر یک ساعت کمتر درس خواندن بر نمرات تان خواهد داشت.

۲. شما در حال حاضر با درآمد سالانه ۴۵ هزار دلار در شرکت الف مشغول به کار هستید؛ اما یک پیشنهاد برای کار در شرکت ب دریافت کرده‌اید که درآمد سالانه آن ۵۰ هزار دلار است. کدام یک از موارد زیر هزینه فرصت پذیرش پیشنهاد کار در شرکت ب محسوب می‌شود؟

الف. زمان اضافی که بایستی صرف رفت و آمد به محل کار جدیدتان شود

ب. حقوق ۴۵ هزاردلاری شغل کنونی تان

ج. اتاق کار بزرگ‌تر در شرکت ب

جواب‌ها:

۱: الف. اصل هزینه فرصت ب. اصل محدود و کمیاب بودن منابع ج. اصل تحلیل‌های نهایی
۲: الف و ب

مرور سریع

- هر فعالیت اقتصادی شامل یک سری انتخاب‌های فردی است.
- افراد مجبور به انتخاب کردن هستند چرا که منابع کمیاب و محدودند.
- هزینه واقعی هر چیزی همان هزینه فرصت آن است که همان چیزی است که شما باید برای دست‌یافتن، از آن صرف نظر کنید.
- گاهی اوقات بایستی برای دست‌یافتن به یک چیز، چیز دیگری را فدا کرد که به مطالعه تصمیم‌های نهایی در این زمینه تحلیل نهایی گفته می‌شود.
- چون افراد همیشه به دنبال بهره‌جستن از فرصت‌ها در راستای منافع خود هستند، وجود محرک‌ها و مشوق‌ها می‌تواند رفتارشان را تغییر دهد.

ارتباط متقابل انتخاب‌ها و گزینه‌ها با هم به این واقعیت اشاره دارد که انتخاب‌های شما بر انتخاب‌های دیگران تأثیر می‌گذارد و از انتخاب‌های دیگران تأثیر می‌پذیرد.

در یک اقتصاد بازار آزاد، افراد وارد **دادوستد** با هم می‌شوند و به مبادله کالاها و خدمات خود و دیگران با هم می‌پردازند.

اینکه می‌گویند **دادوستد سودمند است** به این خاطر است که افراد می‌توانند هر آنچه را که نیاز دارند به دست آورند نه اینکه تمام آنها را تولید کنند.

رواج دادوستد و تجارت به **تخصصی‌گرایی** منجر می‌شود

مولد گوناگون. در یک اقتصاد بازار مانند آمریکا، هماهنگی بدون وجود هماهنگ‌کننده‌ها نیز صورت می‌پذیرد و هرکسی در این میان انتخاب‌های خود را دارد. با این همه، انتخاب‌های افراد وابستگی زیادی به انتخاب‌های دیگران نیز دارد و انتخاب‌های افراد تحت تأثیر انتخاب‌های دیگران بوده، هستند و خواهند بود.

هنگامی که ما به مطالعه درباره اقتصاد و تأثیرگذاری متقابل انتخاب‌های افراد بر هم پردازیم خیلی زود در می‌یابیم که انتخاب‌های نهایی افراد در اغلب موارد آن چیزی نیستند که در ابتدا در ذهنشان وجود داشته است. به همین دلیل لازم است که اصول مرتبط با این تأثیرگذاری متقابل را به درستی شناخت و در مطالعات اقتصادی مدنظر داشت.

در ادامه به پنج اصل مهم مرتبط با تأثیرگذاری متقابل و ارتباط بین انتخاب‌ها و تصمیم‌ها اشاره خواهیم کرد.

اصل شماره پنج:

دادوستد سودمند است

اگر پرسیده شود که چرا انتخاب‌ها و گزینه‌های یک فرد با انتخاب‌ها و گزینه‌های دیگران در ارتباط است و بر آنها تأثیر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد باید پاسخ داد: چون همه افراد نمی‌توانند تمام چیزهایی که می‌خواهند و نیاز دارند را خودشان تولید کنند.

این غیرممکن است که یک خانواده بتواند غذای مورد نیازش را خودش تولید کند، خودش لباس مورد نیازش را ببافد و سرگرمی‌های مورد علاقه‌اش را بیافریند و کتاب‌های مورد نیازش را بنویسد. برای تأمین خیلی از این نیازها به دیگرانی وابسته است که همین کالاها یا خدمات را تولید می‌کنند و همین جاست که پای دادوستد و تجارت و مبادله کالاها و خدمات به میان می‌آید که باعث بهتر شدن سطح رفاه و ارتقای استانداردهای زندگی همه خواهد شد. اتفاقاً فلسفه وجودی اقتصاد هم همین است که به سودمندتر شدن دادوستد و مبادله کالاها و خدمات کمک می‌کند.

اصل دادوستد سودمند است که به تقسیم کارها و آن چیزی که اقتصاددانان به آن **تخصصی‌شدن** می‌گویند منتهی می‌شود که بر اساس آن، هر فردی در حوزه‌ای خاص مهارت و تخصص پیدا می‌کند و یک کار را به خوبی می‌آموزد و یک سری کالاها یا خدمات را به خوبی تولید می‌کند. این همان نقطه‌ای است که آدام اسمیت در کتاب مشهورش یعنی ثروت ملل از آن با عنوان **آغاز اقتصاد به عنوان یک دیسپلین** یاد می‌کند.

اقتصاد به ما می‌گوید که تخصصی‌شدن کارها و تخصص پیدا کردن افراد در تولید کالاها و خدمات خاص موجب رشد و توسعه بیشتر همه می‌شود به طوری که اقتصاد به عنوان یک کل می‌تواند زمانی تولید بیشتری

را تجربه کند که هر فردی به خاطر تخصص داشتن در تولید کالا یا خدماتی خاص بتواند بیشتر و بهتر تولید کرده و کالاها و خدمات تولید شده خود را با دیگران مبادله کند.

در واقع مزایای تخصصی شدن آن قدر بالاست که افراد معمولاً و غالباً ترجیح می دهند یک حرفه و تخصص را دنبال کنند و در آن حوزه استاد شوند حتی اگر این استعداد و توانایی را داشته باشند تا در حوزه های دیگری نیز مهارت پیدا کنند. به عنوان مثال، فردی که توانسته به یک پزشک خوب تبدیل شود به احتمال زیاد این توانایی را دارد تا یک مهندس یا خلبان خوب هم بشود؛ اما ضرورتی برای این کار نمی بیند و ترجیح می دهد در زمینه پزشکی تخصص و تسلط بیشتری پیدا کند چرا که این اطمینان را دارد که در صورت نیاز به خدمات مهندسی یا پرواز با هواپیما کسانی هستند که این نیاز او را برآورده سازند.

اصل شماره شش:

بازارها به سمت تعادل حرکت می کنند

یک بعد از ظهر شلوغ در یک سوپرمارکت بزرگ را در نظر بگیرید که در آنجا چند صندوق برای تحویل گرفتن و محاسبه قیمت اجناس خریداران فعال هستند و صف های طویلی در برابر آنها وجود دارد و یک صندوق هم غیرفعال است. بعد از چند دقیقه آن صندوق غیرفعال شروع به پذیرش مشتریان می کند و اتفاقی که معمولاً در این حالت می افتد این است که تعدادی از کسانی که در صف های دیگر معطل مانده بودند به سمت این صندوق هجوم می آورند.

با این همه، این هجوم یک یا دو دقیقه بیشتر طول نمی کشد و پس از مدت کوتاهی تعداد کسانی که در صف صندوق جدید هستند به اندازه تعداد افرادی خواهد بود که در برابر سایر صندوق ها تشکیل شده است.

اصل شماره ۴ به ما می گوید که افراد همیشه به دنبال بهره جستن از فرصت ها در راستای تحقق خواسته های خود هستند و این همان اتفاقی است که در مثال سوپرمارکت می افتد و افراد برای اینکه مدت زمان کوتاه تری در صف صندوق ها باقی بمانند به سمت صندوق جدید باز شده هجوم می آورند؛ اما پس از مدت کوتاهی دیگر این جنبش متوقف می شود چرا که طول صف ها تقریباً برابر می شود و در صورت شکل گیری چنین وضعیتی که تفاوت چندانی بین گزینه ها و انتخاب های افراد و نیز فرصت متفاوتی در برابر افراد وجود ندارد یک نوع حالت تعادل و آرامش شکل می گیرد.

در واقع اصل شماره پنج به ما می گوید که وقتی تفاوت چندانی بین گزینه های پیش رو وجود ندارد دلیلی برای هجوم بردن به سمت فرصتی خاص وجود ندارد و افراد ترجیح می دهند در آرامش و در وضعیتی متعادل به سمت رفع نیازهای خود گام بردارند.

وقتی تفاوت چندانی بین گزینه های پیش رو وجود ندارد دلیلی برای هجوم بردن به سمت فرصتی خاص وجود ندارد و افراد ترجیح می دهند در آرامش و در **وضعیتی متعادل** به سمت رفع نیازهای خود گام بردارند.

یک اقتصاد کارآمد و مؤثر
به گونه‌ای از منابع موجود در
جامعه استفاده می‌کند که در
نهایت به تحقق اهداف مطلوب
کل جامعه منجر می‌شود.

چون افراد نسبت به محرک‌ها پاسخ نشان می‌دهند، بازارها به سمت تعادل حرکت می‌کنند

این اصل که به نوعی شکل کامل‌تر اصل شماره پنج است به ما می‌گوید که تعادل در بازارها تا زمانی که نوسان قابل توجهی در قیمت‌ها و تفاوت فاحشی بین گزینه‌ها وجود نداشته باشد ادامه پیدا می‌کند و حتی اگر چنین نوسان یا تفاوتی هم به صورت ناگهانی اتفاق می‌افتد افراد این اطمینان را دارند که پس از مدت کوتاهی وضعیت به شرایط عادی بازخواهد گشت و به همین دلیل هم هست که در مثال سوپرمارکت می‌بینیم که خیلی از افرادی که در اوایل یا اواسط صف‌های دیگر حضور دارند واکنشی نسبت به باز شدن صندوق جدید نشان نمی‌دهند و فقط آنهایی که در انتهای صف‌های دیگر حضور داشتند به سمت صندوق جدید هجوم می‌آورند که همین جنبش و تغییر نیز پس از مدت کوتاهی به پایان می‌رسد و همه چیز به وضعیت تعادل و آرامش بازمی‌گردد که علت این امر هم در این واقعیت نهفته است که افراد فقط نسبت به محرک‌ها پاسخ نشان می‌دهند و پس از ناپدید شدن محرک‌ها آنها نیز به وضعیت متعادل قبلی بازمی‌گردند.

از سویی دیگر، یک اقتصاد بازار آزاد به افراد این امکان را می‌دهد تا از دادوستد با همدیگر منتفع گردند و نیازهای خود را برطرف سازند. حال سؤال اینجاست که این دادوستد در چه حالتی به درستی و در جهت درستی صورت می‌گیرد و اقتصاد از عملکرد مطلوبی برخوردار خواهد بود؟ پاسخ دادن به این سؤال مهم و کلیدی ما را به سمت اصل شماره هفت راهنمایی می‌کند که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

اصل شماره هفت:

منابع باید به شکلی اثربخش و کارا مورد استفاده قرار گیرند تا اهداف جامعه تحقق پیدا کنند

تصور کنید در کلاس درسی شرکت کرده‌اید که کلاس محل برگزاری جای کافی برای نشستن تمام دانشجویان ندارد و در نتیجه تعداد زیادی از آنها یا بروی زمین نشسته‌اند یا ایستاده‌اند. این در حالی است که چند کلاس درس بزرگ و جادار در همان اطراف خالی و بلااستفاده مانده‌اند. در این حالت شما حق دارید بگویید که این وضع اداره دانشکده ایراد دارد و درست نیست و اقتصاددانان نیز به این وضعیت استفاده نادرست و غیرمؤثر از منابع به صورت ناخواسته صورت گرفته باشد چه باید کرد تا بتوان از منابع به شکلی مؤثر و کارآمد استفاده کرد؟

شاید بعضی از شما در پاسخ به این سؤال بگویید که برای این کار بایستی دست به اقداماتی بزنیم که در

نهایت باعث شود پول کمتری خرج شود و در هزینه‌ها صرفه‌جویی شود. اقتصاددانان اما بیشتر از آنکه به مسائل پولی فکر کنند بر روی بهبود شاخص‌هایی مانند شادی و رفاه مردم به عنوان عوامل مؤثر بر افزایش کارآمدی و کارایی متمرکز می‌شوند و می‌گویند که منابع یک اقتصاد زمانی به صورت مؤثر و کارآمد استفاده می‌شوند که فرصت‌های کافی برای تمام مردم ایجاد کنند و زندگی بهتری را برای همه به وجود آورند و شرایطی را شکل دهند که استفاده یک سری افراد از یک سری فرصت‌ها و پیشرفت به جلو موجب عقب ماندن و تضعیف سایرین برای استفاده از فرصت‌ها و پیشرفت آنها نشود.

در مثال بالا، استفاده بهینه و مؤثر از منابع عبارت است از انتقال محل برگزاری کلاس به یک کلاس بزرگ‌تر و مناسب برای نشست تمام دانشجویان و تصمیم نادرست و غیرمؤثر هم این است که محل کلاس را تغییر نداد و تعدادی از دانشجویان را حذف کرد یا برای آنها یک کلاس دیگر تشکیل داد.

هنگامی که یک اقتصاد به شکلی مؤثر و کارآمد کار می‌کند می‌تواند بیشترین دستاوردهای ممکن را از منابع موجود داشته باشد و به نفع همه کار کند و به گونه‌ای از منابع موجود در جامعه استفاده نماید که به تحقق اهداف مطلوب کل جامعه منجر شود.

البته کارایی و کارآمدی تنها چیزی نیست که در زمینه استفاده از منابع موجود در جامعه برای اقتصاددانان مهم است؛ بلکه عامل دیگری نیز در این میان باید مورد توجه قرار گیرد که برابری نام دارد که به بهره‌مند شدن تمام اقشار جامعه از منابع و فرصت‌ها به یک اندازه تأکید دارد.

واقعیت این است که سیاست‌هایی که به دنبال افزایش برابری و عدالت در جامعه هستند موجب کاهش کارایی و کارآمدی در اقتصاد می‌شوند و بالعکس. به عنوان مثال، در بسیاری از کشورها یک سری محل‌های پارک ماشین برای افراد معلول در نظر گرفته می‌شوند که افراد عادی حق پارک کردن خودروهایشان در آنجا را ندارند و در اغلب موارد هم تعداد زیادی از محل پارک‌ها خالی و بلااستفاده باقی می‌مانند در حالی که افراد عادی برای پیدا کردن جای پارک دچار مشکل هستند که این یکی از نمونه‌های ناکارآمدی و عدم استفاده بهینه از منابع به نظر می‌رسد.

اصل شماره هشت:

بازارها به طور معمول به کارایی و کارآمدی منجر می‌شوند

محرك‌های مؤثر بر اقتصادهای بازار آزاد به گونه‌ای عمل می‌کنند که این اطمینان را به وجود می‌آورند که استفاده بهینه و درستی از منابع موجود صورت خواهد گرفت و هیچ فرصتی برای بهتر کردن شرایط مردم از دست نخواهد رفت. به عنوان مثال، اگر مشاهده شود که در یک دانشکده تعداد زیادی از دانشجویان در کلاس‌های کوچک مجبور به تحصیل باشند در حالی که کلاس‌های بزرگ دانشکده بلااستفاده



▲ گاهی اوقات رعایت برابری باعث عدم استفاده بهینه از منابع و کاهش کارایی و کارآمدی می‌شود

علت اصلی موفقیت بازارها در زمینه حصول اطمینان از کارآمدی در استفاده از منابع از آنجا سرچشمه می‌گیرد که در یک اقتصاد بازار آزاد، افراد آزاد هستند تا هر آنچه را که می‌خواهند مصرف کنند یا تولید کنند، انتخاب نمایند و در این میان هستند کسانی که به منفعت مشترک و سود متقابل می‌اندیشند

و خالی باقی مانده باشند، خیلی زود شرایط تغییر خواهد کرد و موقعیت مقام‌های مسئول در چنین دانشکده‌ای به خطر خواهد افتاد و آنها جای خود را به افراد دیگری خواهند داد چرا که «بازار» دانشجویان دانشکده به گونه‌ای نسبت به وضعیت موجود واکنش نشان خواهد داد که موجب افزایش بهره‌وری و بازدهی خواهد شد.

علت اصلی موفقیت بازارها در زمینه حصول اطمینان از کارآمدی در استفاده از منابع از آنجا سرچشمه می‌گیرد که در یک اقتصاد بازار آزاد، افراد آزاد هستند تا هر آنچه را که می‌خواهند مصرف کنند یا تولید کنند، انتخاب نمایند و در این میان هستند کسانی که به منفعت مشترک و سود متقابل می‌اندیشند. این همان مصداق کارایی و کارآمدی است که باعث می‌شود استفاده افراد از فرصت‌های مورد نظر خود موجب محروم شدن دیگران از فرصت‌های مطلوبشان نشود. به همین دلیل اصل هشتم به ما می‌گوید افراد معمولاً از دادوستد سود می‌برند و بازارها هم معمولاً به سمت کارایی و کارآمدی منتهی می‌شوند. البته استثناهایی نیز در این میان وجود دارد و آنها نیز زمانی اتفاق می‌افتد که تمرکز افراد بر منافع خود باعث نادیده گرفته شدن منافع دیگران و جامعه می‌شود که در این حالت، دخالت دولت‌ها می‌تواند از سقوط بازارها و وخیم شدن شرایط جلوگیری کند.

اصل شماره نه:

زمانی که بازارها به کارآمدی منتهی نشوند، دخالت دولت‌ها می‌تواند موجب بهبود رفاه جامعه شود

اگر فردی بخواهد به موقع به محل کارش برسد شاید برایش مهم نباشد که سبقت گرفتن از سایر خودروها و ایجاد راه‌بندان ممکن است باعث ضرر کردن سایر راننده‌ها شود چرا که فقط زودتر رسیدن خودش برایش مهم است. راه‌حل‌های موجود برای برطرف ساختن این مشکل زیاد هستند: از توسعه حمل‌ونقل عمومی و مالیات بستن بر خودروهای شخصی گرفته تا بالابردن عوارض بزرگراه‌ها می‌تواند به کاهش ترافیک و در نتیجه کاهش زمان معطل شدن افراد در ترافیک منجر شود و همه اینها جزو مداخلات مثبت و مؤثر دولت‌ها در بازارها محسوب می‌شوند و به همین دلیل هم هست که اصل نهم به ما می‌گوید:

وقتی بازارها به سمت کارایی و کارآمدی حرکت نکنند، دخالت دولت‌ها می‌تواند به بهبود رفاه جامعه منجر شود. این اصل هنگامی به کار می‌آید که بازارها به درستی عمل نمی‌کنند و سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها می‌تواند جامعه را به شرایط مؤثر نزدیک‌تر کند تا جامعه بتواند از منابع خود بهتر استفاده نماید.

یکی از شاخه‌های علم اقتصاد مطالعه بر روی این موضوع است که چرا بازارها سقوط می‌کنند و چه سیاست‌هایی باید به منظور بهبود رفاه اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند. به طور کلی، سه دلیل اصلی برای سقوط بازارها وجود دارد که عبارت‌اند از:

● اقدامات افراد دارای پیامدها و عوارض جانبی منفی خاصی است که به صلاح بازارها نیست، مانند

آلوده شدن محیط زیست توسط افراد.

- تمایل و تلاش بعضی‌ها برای کسب سود بیشتر در دادوستدها و تجارت با دیگران مانند اقدام شرکت‌های داروسازی در راستای بالابردن بی‌رویه و بی‌ضابطه قیمت داروهای موردنیاز مردم به نحوی که خیلی‌ها توان خرید آن داروها را نداشته باشند.
 - بعضی از کالاها بنا به ذاتشان قابل مدیریت شدن توسط بازار نیستند.
- در مجموع، بخش مهمی از تحصیلات شما در زمینه اقتصاد به آنچه که بازارها می‌توانند یا نمی‌توانند انجام دهند و کنترل کنند و اینکه دولت‌ها در این میان چه می‌توانند انجام دهند، مربوط می‌شود.

اقتصاد در عمل

بازگشت آرامش و تعادل به بازارها



هنگامی که یک زلزله مهیب در سال ۱۹۹۴ لس‌آنجلس را لرزاند، تعداد زیادی از پل‌های بزرگراه‌ها فروریخت و در نتیجه روند عادی رفت‌وآمد هزاران خودرو در بزرگراه‌ها مختل شد. اما رویدادهایی که پس از این واقعه اتفاق افتاد نمونه‌هایی بودند آشکار از تصمیم‌گیری‌های به‌هم‌وابسته افرادی که به‌طور مرتب بین محل کار و محل سکونتشان در رفت‌وآمد بودند.

جریان از این قرار بود که مقام‌های شهری به افرادی که می‌خواستند به محل کارشان بروند هشدار جدی دادند که برای اجتناب از افزایش ترافیک از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنند، هشداری که اتفاقاً خیلی مؤثر واقع شد و تعداد بسیار زیادی از مردم از حمل و نقل عمومی برای رسیدن به محل کارشان و همچنین بازگشت به خانه‌هایشان استفاده کردند و اتفاقاً سریع‌تر و زودتر از حالت معمول که با خودروهای خودشان این مسیرها را طی می‌کردند به مقصد می‌رسیدند. با این همه تعدادی از مردم که نمی‌خواستند برای مدتی طولانی از حمل‌ونقل عمومی که برایشان چندان راحت و دلپذیر نبود استفاده کنند به محض مشاهده وجود ترافیک روان و خلوتی بزرگراه‌ها تصمیم گرفتند دوباره از خودروهای شخصی‌شان برای رفت‌وآمد به محل کارشان استفاده کنند و در نتیجه بزرگراه‌ها دوباره شلوغ شد و ترافیک سنگینی در آنها به وجود آمد هر چند که این وضعیت موقتی بود و پس از مدتی و با برطرف شدن مسدودی‌ها و موانع حرکت خودروها در بزرگراه‌ها شرایط به حالت عادی برگشت و تقریباً بعد از گذشت ۱۸ ماه از زلزله لس‌آنجلس نظم و تعادل جدیدی بر بزرگراه‌های این شهر حاکم گردید.

مرور سریع

- بسیاری از موقعیت‌های اقتصادی دربردارنده ارتباط متقابل بین انتخاب‌ها و گزینه‌ها هستند که گاهی اوقات نتایج ناخواسته‌ای را به دنبال دارند. در یک اقتصاد بازار آزاد، این ارتباط و تأثیرگذاری متقابل در قالب تجارت و دادوستد رخ می‌دهد.
- افراد به این دلیل دست به دادوستد با همدیگر می‌زنند تا در این میان دستاوردی داشته باشند که این دستاورد در نتیجه تخصیص‌گرایی به وجود می‌آید.
- بازارها معمولاً میل به حرکت به سمت تعادل و آرامش دارند تا در این بین دستاورد بیشتری داشته باشند.
- به منظور تحقق اهداف جامعه بایستی از منابع به شکلی مؤثر و کارآمد بهره برد.

مرور سریع

- اقدامات افراد دارای پیامدها و عوارض جانبی منفی خاصی است که به صلاح بازارها نیست، مانند آلوده شدن محیط زیست توسط افراد.
- تمایل و تلاش بعضی‌ها برای کسب سود بیشتر در دادوستدها و تجارت با دیگران مانند اقدام شرکت‌های داروسازی در راستای بالابردن بی‌رویه و بی‌ضابطه قیمت داروهای مورد نیاز مردم به نحوی که خیلی‌ها توان خرید آن داروها را ندارند.
- بعضی از کالاها بنا به ذاتشان قابل مدیریت شدن توسط بازار نیستند.

خودآزمایی ۱-۲

۱- توضیح دهید که هر کدام از موقعیت‌های زیر نشان‌دهنده کدام یک از اصول پنج‌گانه ارتباط و تأثیرگذاری متقابل است.

- الف- استفاده از eBay برای پیوند زدن دانشجویی که می‌خواهد یک کتاب دست دوم خود به ارزش ۳۰ دلار را بفروشد و دانشجوی دیگری که به دنبال آن کتاب است و حاضر است برای آن ۳۰ دلار بپردازد.
- ب- در یک اردوی دانشجویی هر کدام از دانشجویان ترتیبی دادند تا موضوعی را که در آن خوب هستند و بر آن تسلط دارند (مثلاً اقتصاد) را به دانشجویان دیگر آموزش دهند و در عوض سایر دانشجویان هم به آنها در موضوع و درسی که ضعیف هستند (مثلاً فلسفه) کمک کنند.
- ج- مقام‌های شهری قانونی را وضع کرده‌اند که بارها و کلوب‌های شبانه موجود در مناطق مسکونی را ملزم کرده تا میزان سروصدای تولید شده خود را از حد مشخصی بالاتر نبرند.
- د- مقام‌های شهری تصمیم گرفتند به منظور خدمات دهی بهتر به بیماران کم‌درآمد و فقیر، تعدادی از کلینیک‌هایی که مراجعین کمتری داشته را تعطیل و بودجه اختصاص یافته به آنها را به بیمارستان‌های بزرگ‌تری منتقل کنند که خدمات ارزان‌تری را به بیماران ارائه می‌دهند.

۲- کدام یک از موقعیت‌های زیر مصداق یک وضعیت تعادل و آرامش است؟ پاسختان را توضیح دهید

- الف - رستوران‌های اطراف دانشگاه غذاهای خوشمزه‌تر و ارزان‌تری را در مقایسه با غذاخوری دانشگاه ارائه می‌دهند؛ اما اکثریت دانشجویان در غذاخوری دانشگاه غذا می‌خورند.
- ب- شما از مترو برای رفتن به سرکارتان استفاده می‌کنید هر چند که رفتن با اتوبوس برای شما ارزان‌تر تمام می‌شود؛ اما اتوبوس مسیر طولانی‌تری را برای رسیدن به مقصد طی می‌کند و زمان بیشتری در این میان صرف می‌شود؛ بنابراین شما حاضرید به خاطر صرفه جویی در وقت خود پول بیشتری بپردازید و از مترو استفاده کنید.

جواب‌ها:

- ۱- الف: این مثال بیانگر این اصل است که می‌گوید بازارها معمولاً به کارایی و کارآمدی منتهی می‌شوند چرا که در این معامله هر دو نفر برنده‌اند و برنده شدن هر کدام باعث ضرر دیدن دیگری نمی‌شود.
- ب: اصل سود بردن از دادوستد.
- ج: این مثال مبتنی است بر این اصل که هنگامی که بازارها در وضعیت کارایی و کارآمدی قرار ندارند دولت با هدف بهبود رفاه جامعه وارد عمل می‌شود.
- د: این مثال بیانگر این اصل است که استفاده از منابع باید به گونه‌ای باشد که رفاه جامعه را به شکلی مؤثر بهبود ببخشد.
- ۲- گزینه ب بیانگر وضعیت تعادل است چرا که شما با عوض کردن رویکرد خود و استفاده از اتوبوس وضعیت بهتری نخواهید داشت و در نتیجه انگیزه‌ای برای تغییر رفتارتان ندارید.

ارتباطات در سطح اقتصاد

همان‌طور که در مقدمه نیز گفته شد، هر اقتصادی به عنوان یک کل دارای فراز و نشیب‌هایی است و به عنوان مثال در دوران رکود به سمت اخراج کارگران و کاهش اشتغال می‌رود و پس از رفع بحران دوباره اقدام به افزایش اشتغال و رونق می‌رود و به اصطلاح احیا یا ریکاوری می‌شود.

به منظور درک بهتر رکود و احیای اقتصادی بایستی درک درستی از ارتباطات و تعاملات در سطح اقتصاد داشت که سه اصل اقتصادی در این میان وجود دارند که باید آنها را شناخت.

اصل شماره ده :

خرج کرد یک فرد درآمد فردی دیگر است

در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱، ساخت مسکن در آمریکا تا ۶۰ درصد کاهش پیدا کرد چرا که سازندگان می‌دیدند برای فروش خانه‌هایی که ساخته‌اند به شدت با مشکل روبرو هستند. در نتیجه بخش مسکن آمریکا دچار رکود شد و این رکود به تدریج به سایر بخش‌های اقتصاد این کشور نیز سرایت کرد و در نتیجه میزان هزینه‌کرد مصرف‌کنندگان به مقدار قابل توجهی کاهش پیدا کرد. اما چرا سقوط بخش مسکن باعث خالی شدن قفسه‌های فروشگاه‌ها و مراکز خرید شد که معمولاً محل حضور خانواده‌ها و نه مسکن‌سازان است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که خرج کرد کمتر در بخش مسکن باعث کاهش درآمدها در سطح اقتصاد می‌شود چرا که درآمد افرادی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در بخش مسکن اشتغال به کار دارند کاهش می‌یابد و آنها مجبورند کمتر خرج و خرید کنند و وقتی تعداد زیادی از مردم کمتر خرید کنند فروشندگان هم قادر به فروش تمام اجناس شان نیستند و فروش و در نتیجه آن، درآمدشان کمتر می‌شود و این واکنش‌های زنجیره‌ای ناشی از کاهش درآمد و کاهش خرید و کاهش فروش در نهایت به بحران‌های اقتصادی شبیه به آنچه که در سال ۲۰۰۸ در آمریکا به وقوع پیوست، منجر می‌شود.

اصل شماره یازده:

مخارج کلی در یک اقتصاد گاهی اوقات با ظرفیت تولیدی آن اقتصاد مطابقت ندارد

اقتصاد کلان به عنوان شاخه‌ای از علم اقتصاد در دهه ۱۹۳۰ ظهور پیدا کرد، آن هم در دوره‌ای که سقوط مخارج مصرف‌کنندگان و شرکت‌ها باعث وقوع بحران بانکی عظیمی شد و پس از آن هم موجب یک موج بسیار بزرگ بیکاری شد که به آن رکود بزرگ می‌گویند. درسی که اقتصاددانان از بحران دهه ۱۹۳۰ آموختند این بود که مخارج عمومی جامعه گاهی اوقات با میزان کالاها و خدماتی که یک اقتصاد می‌تواند تولید کند، مطابقت ندارد و میزان مخارج مصرف‌کنندگان گاه آن قدر نیست که باعث شود تا تمام کارگران یک جامعه بر سرکار باقی بمانند و درآمد داشته باشند و این یعنی افزایش بیکاری و رکود اقتصادی بیشتر و شدیدتر. گاهی اوقات هم هست که میزان مخارج کلی یک اقتصاد فراتر از ظرفیت تولیدی آن اقتصاد است و میزان مصرف مردم آن قدر بالا می‌رود که اقتصاد را دچار تورم می‌کند که افزایش قیمت‌ها را به دنبال می‌آورد که این افزایش قیمت به این دلیل اتفاق می‌افتد که تعداد زیادی از مصرف‌کنندگان قصد خرید کالاهایی را دارند که به مقدار کافی وجود ندارد، در نتیجه رقابت بر سر پرداخت پول بیشتر برای خرید آن کالاهای محدود شکل می‌گیرد و تولیدکنندگان نیز در این میان اقدام به بالا بردن قیمت‌ها می‌کنند و حتی پس از بالا رفتن قیمت‌ها هم باز تقاضا برای آن کالا وجود دارد و اصل شماره یازده به هر دوی این حالت‌ها یعنی کمتر یا بیشتر بودن سطح مخارج عمومی نسبت به ظرفیت تولید اقتصاد اشاره دارد.

اقتصاد کلان به عنوان شاخه‌ای از علم اقتصاد در دهه ۱۹۳۰ ظهور پیدا کرد، آن هم در دوره‌ای که سقوط مخارج مصرف‌کنندگان و شرکت‌ها باعث وقوع بحران بانکی عظیمی شد و پس از آن هم موجب یک موج بسیار بزرگ بیکاری شد که به آن رکود بزرگ می‌گویند.

اصل شماره دوازده:

سیاست‌های دولت می‌تواند مخارج را تغییر دهد

همان‌طور که در اصل یاد هم گفته شد مخارج کلی یک اقتصاد گاهی اوقات با ظرفیت تولیدی آن مطابقت ندارد و کمتر یا بیشتر از آن است که در این حالت، دخالت دولت‌ها ضروری و مؤثر خواهد بود و این همان چیزی است که در این اصل به آن اشاره شده است چرا که سیاست‌های دولت می‌تواند تأثیر چشمگیری بر میزان مخارج و هزینه‌کرد مردم داشته باشد.

از یک سو، خود دولت به عنوان یک خرج‌کننده بزرگ در بخش‌هایی مانند تجهیزات نظامی و آموزش و خدمات عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد بیشتر یا کمتر خرج کند، از سویی دیگر دولت می‌تواند با کاهش یا افزایش مالیات‌هایی که از مردم می‌گیرد آنها را به سمت خرج‌کرد بیشتر یا کمتر سوق دهد چرا که با افزایش یا کاهش مالیات‌ها، مردم پول کمتر یا بیشتری برای خرج‌کردن خواهند داشت. علاوه بر این، دولت‌ها توان کنترل میزان حجم پول در حال گردش در اقتصاد را دارند و تمام اینها همان ابزارهای سیاست اقتصادکلان محسوب می‌شوند که در دست دولت‌ها قرار دارند.

دولت‌ها با استفاده از آنها می‌کوشند مخارج عمومی در اقتصادها را کنترل کنند و به مقابله با رکودها و تورم‌ها برخیزند که البته این تلاش دولت‌ها برای مقابله با رکود و تورم هم می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد و هم شکست‌خورده و ناکام.

مرور سریع

خودآزمایی ۱-۳

- در یک اقتصاد بازار آزاد مخارج و خرج‌کرد یک فرد درآمد فردی دیگر است و در نتیجه هر تغییر در رفتار خرج‌کرد افراد موجب تغییر میزان درآمد دیگران و تحت‌تأثیر قرارگرفتن کل اقتصاد می‌شود.
- مخارج کلی در یک اقتصاد گاهی اوقات با ظرفیت تولیدی آن اقتصاد مطابقت ندارد و ممکن است بیشتر یا کمتر از آن باشد که این مسئله موجب رکود یا تورم می‌شود.
- دولت‌های مدرن از ابزارهای سیاست اقتصاد کلان برای تأثیرگذاری بر سطح کلان مخارج استفاده می‌کنند تا اقتصاد را از حالت رکود یا تورم خارج کنند.

۱- توضیح دهید هر کدام از مثال‌های زیر نشان‌دهنده کدام یک از سه اصل مرتبط با ارتباط متقابل در سطح کلان اقتصادی هستند.

الف- کاخ سفید و کنگره آمریکا در اوایل سال ۲۰۰۹ بر سر یک بسته از محرک‌ها و مشوق‌ها برای افزایش خرج‌کرد و کاهش مالیات‌ها در حال رایزنی بودند تا بدین وسیله جلوی روند روبه‌کاهش اشتغال را بگیرند و بیکاری را در آمریکا کاهش دهند.

ب- شرکت‌های نفتی به شدت در حال سرمایه‌گذاری‌های سنگین در پروژه‌هایی هستند که به استخراج نفت از میادین نفتی کانادا در آلبرتا و ادمونتون اختصاص دارند که اجرای این پروژه‌ها موجب رونق‌گرفتن رستوران‌ها و افزایش مصرف در میان مردم این مناطق خواهد شد.

ج- در اواسط دهه ۲۰۰۰، اسپانیا با رونق چشمگیر بخش مسکن مواجه شد و در همان زمان هم بالاترین نرخ تورم در میان کشورهای اروپایی را نیز به خود اختصاص داد.

جواب‌ها:

الف- به این اصل اشاره دارد که سیاست‌های دولت می‌تواند مخارج کل را تحت‌تأثیر قرار دهد.

ب- به این اصل اشاره دارد که مخارج و هزینه‌کرد یک فرد، درآمد فردی دیگر است.

ج- به این اصل اشاره دارد که مخارج کلی اقتصاد با ظرفیت تولیدی آن مطابقت ندارد چرا که تمرکز بیش از حد و هزینه‌کرد زیاد اقتصاد در بخش مسکن از یک سو فراتر از ظرفیت‌های موجود در این کشور بود و از سویی دیگر سطح قیمت‌های مسکن نیز به دلیل بالابودن تقاضا برای مسکن شاهد افزایش زیادی بود که همه اینها به افزایش تورم در اسپانیا منجر شدند.

یک داستان واقعی

چگونه Priceline.com انقلابی بزرگ در صنعت سفر به وجود آورد

صنعت سفر در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ و به دنبال حملات تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ دچار مشکلات بزرگی شد و خیلی‌ها در آمریکا از پرواز با هواپیما خودداری می‌کردند. با فرورفتن اقتصاد آمریکا به رکودی عمیق، تعداد زیادی از صندلی‌های هواپیماها خالی باقی ماندند و در نتیجه شرکت‌های هواپیمایی آمریکا دچار ضرر و زیان‌های بسیار سنگینی شدند و همین مسئله موجب شد تا کنگره آمریکا یک بسته کمکی ۱۵ میلیارد دلاری برای کمک به ثبات و پایداری شرکت‌های هوایی اختصاص دهد.

آن سال‌ها برای شرکت پرایس لاین دات کام سال‌های بسیار سختی بود به طوری که این شرکت که تنها چهار سال از تأسیس آن می‌گذشت در خطر ورشکستگی و نابودی قرار گرفت به طوری که ارزش این شرکت که در سال ۱۹۹۹ بیش از ۹ میلیارد دلار برآورد می‌شد در سال ۲۰۰۲ با کاهشی ۹۵ درصدی به ۴۲۵ میلیون دلار سقوط کرد.

با این همه شرکت پرایس لاین دات کام نه تنها از بین نرفت بلکه توانست تا سال ۲۰۱۴ ارزش خود را به بیش از ۶۳ میلیارد دلار افزایش دهد و علاوه بر این، صنعت سفر در آمریکا را نیز دگرگون ساخته و انقلابی بزرگ در آن به وجود آورد. حال سؤال اینجاست چگونه شرکتی که تا چند سال قبل برای بقا و رهایی از ورشکستگی دست و پا می‌زد به چنین موضع قدرتمندی دست یافت؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که موفقیت بزرگ پرایس لاین دات کام در استفاده بهینه و مثال‌زدنی این شرکت از فرصت‌های موجود برای پیشرفت خود و مصرف‌کنندگان خدماتش نهفته است. رهبران این شرکت به خوبی می‌دانستند که خالی بودن صندلی‌های هواپیما و یا خالی ماندن تخت خواب‌های هتل‌ها یعنی هزینه و ضرر برای شرکت‌های هواپیمایی و هتل‌ها که اگر این صندلی‌ها و تخت خواب‌ها پر شوند درآمد خوبی نصیب شرکت‌های هواپیمایی و هتل‌ها خواهد شد. به همین دلیل آنها تصمیم گرفتند به جای اصرار بر روش‌های پیشین خود به سراغ استفاده بهینه از فرصت‌های جدیدی بروند که داشت برای آنها به وجود می‌آمد و آن مربوط می‌شد به تمایل روزافزون مشتریان برای استفاده از بلیت‌های لحظه آخری هواپیما که بسیار ارزان‌تر از بلیت‌های معمولی بودند؛ اما پرسیک‌تر هم بودند و ممکن بود افراد به خاطر ناتوانی در تهیه بلیت‌های لحظه آخری از پرواز جا بمانند.

هنگامی که مشتریان و علاقه‌مندان به پرواز با هواپیما دیدند که بلیت‌های لحظه آخری با قیمت‌های بسیار خوبی عرضه می‌شوند در رفتارها و خرج‌کرد خود تغییر به وجود آوردند و شرکت پرایس لاین هم از این تغییر رفتار نهایت بهره را برد و توانست جایگاه خود را به عنوان ارائه‌دهنده خدمات فروش

بلیت های لحظه آخری بهبود ببخشد. در مرحله بعد، این شرکت با هتل هایی که به خاطر خالی بودن تخت های خود به شدت دچار ضرر و زیان بودند وارد مذاکره شد و آنها را متقاعد کرد تا امکان رزرو کردن اتاق های هتل ها را با قیمتی پایین تر و به صورت پیش پرداخت را فراهم آورند و در قبال خدماتی که به هتل ها و مسافران در این زمینه می داد کمیسیون اندکی دریافت می کرد و بدین ترتیب بود که این شرکت توانست تا سال ۲۰۱۳ به شبکه ای عظیم و متشکل از ۲۹۵ هزار هتل در سرتاسر جهان خدمات رسانی داشته باشد.

خلاصه فصل

۸- اینکه می گویند دادوستد سودمند است به این خاطر است که افراد می توانند هر آنچه را که نیاز دارند به دست آورند نه اینکه تمام آنها را تولید کنند. رواج دادوستد و تجارت به تخصصی گرای منجر می شود.

۹- چون افراد نسبت به محرک ها پاسخ نشان می دهند، بازارها به سمت تعادل حرکت می کنند.

۱۰- علت اصلی موفقیت بازارها در زمینه حصول اطمینان از کارآمدی در استفاده از منابع از آنجا سرچشمه می گیرد که در یک اقتصاد بازار آزاد، افراد آزاد هستند تا هر آنچه را که می خواهند مصرف کنند یا تولید کنند انتخاب نمایند و در این میان هستند کسانی که به منفعت مشترک و سود متقابل می اندیشند و این همان مصداق کارایی و کارآمدی است که باعث می شود استفاده افراد از فرصت های مورد نظر خود موجب محروم شدن دیگران از فرصت های مطلوبشان نشود.

۱۱- بازارها معمولاً و به جز موارد خاص به کارایی و کارآمدی منتهی می شوند.

۱۲- وقتی بازارها ناکارآمد هستند و نمی توانند مؤثر عمل کنند، دخالت دولت ها می تواند باعث بهبود رفاه اجتماعی شود.

۱۳- خرج کرد یک فرد درآمد فردی دیگر است و به همین شکل رفتار هر کدام از افراد بر درآمد دیگران تأثیر گذار است.

۱۴- مخارج کلی در یک اقتصاد گاهی اوقات با ظرفیت تولیدی آن اقتصاد مطابقت ندارد که این امر می تواند به شکل گیری رکود یا تورم در اقتصاد منجر گردد.

۱۵- مخارج کلی یک اقتصاد گاهی اوقات با ظرفیت تولیدی آن مطابقت ندارد و کمتر یا بیشتر از آن است که در این حالت، دخالت دولت ها ضروری و مؤثر خواهد بود چرا که سیاست های دولت می تواند تأثیر چشمگیری بر میزان مخارج و هزینه کرد مردم داشته باشد.

۱- تمام تحلیل های اقتصادی ریشه در اصولی بنیادین دارند که در سه سطح به کار می آیند و مصداق پیدا می کنند که عبارت اند از سطوح فردی، بین فردی و کلان اقتصادی.

۲- **انتخاب های فردی** تصمیم هایی هستند که افراد اتخاذ می کنند تا مشخص کنند چه کاری باید انجام دهند و چه کاری را انجام ندهند. **منابع** چیزهایی هستند که ما برای تولیدات مختلف به آنها نیاز داریم. **منابع کمیاب** و محدود هستند چرا که منابع کافی برای برآورده ساختن تمام نیازها و خواسته های همه مردم دنیا وجود ندارد.

۴- توجه به اصل **هزینه فرصت** برای فهم و درک بهتر انتخاب های فردی ضروری و حیاتی است چرا که تمام هزینه ها در نهایت هزینه فرصت هستند آن هم به این دلیل ساده که شما با انتخاب هر گزینه ای از سایر گزینه های مطلوب خود صرف نظر کرده و در نتیجه از مزایای آنها محروم خواهید شد.

۵- به تصمیم هایی که در آن باید بین دو چیز یکی را برگزید و آن را به دیگری ترجیح داد تصمیم های نهایی گفته می شود و به مطالعه و بررسی های لازم برای اتخاذ چنین تصمیم هایی تحلیل های نهایی گفته می شود.

۶- افراد همیشه و در همه حال به محرک ها و چیزهایی که برایشان انگیزه بخش است واکنش نشان می دهند چرا که همیشه به دنبال بهره گیری حداکثری از فرصت های موجود هستند و تا آنجا که بتوانند به استفاده از این فرصت ها ادامه می دهند و اقتصاددانان هم به خوبی از این خصلت افراد آگاهی دارند.

۷- ارتباط متقابل انتخاب ها و گزینه ها با هم به این واقعیت اشاره دارد که انتخاب های شما بر انتخاب های دیگران تأثیر می گذارد و از انتخاب های دیگران تأثیر می پذیرد.

مسئله‌های فصل اول

۱- در هر کدام از موقعیت‌های زیر مشخص کنید که کدام یک از اصول دوازده‌گانه اقتصاد مصداق پیدا می‌کند:

الف- شما تصمیم می‌گیرید از یک فروشگاه همواره تخفیف محلی به جای مراجعه به یک فروشگاه زنجیره‌ای که اجناس را با قیمت بالاتری به فروش می‌رساند، خرید کنید.

ب- بودجه شما برای سفر بهاری تان به اندازه روزی ۳۵ دلار محدود است.

پ- اتحادیه دانشجویان سایتی را طراحی کرده که در آنجا دانشجویان می‌توانند آیم‌هایی مانند کتاب‌های دسته دوم و لوازم خانه و خرت و پرت‌های دیگر را بفروشند و دیگر مثل قبل آنها را به هم‌اتاقی‌های خود ندهند.

ت- بعد از وقوع تندباد سهمگین در یک شهر مردم آنجا می‌خواهند مصالح ساختمانی زیادی را خریداری کنند و به کارگران ساختمانی بیشتری نیز برای تعمیر خانه‌هایشان احتیاج دارند که هیچ‌کدام اینها به اندازه کافی در این شهر وجود ندارد. در نتیجه قیمت‌های مصالح ساختمانی و کارگر در آنجا افزایش زیادی داشته است.

ث- شما از یکی از هم‌اتاقی‌هایتان یک کتاب دست دوم خریده‌اید و او هم با آن پول از iTunes آهنگ‌هایی را خریداری کرده است.

ج- شما می‌خواهید با خوردن چند فنجان قهوه شب قبل از امتحان بیشتر بیدار بمانید و بیشتر درس بخوانید. با این همه شما محاسبه می‌کنید که با خوردن هرفنجان قهوه چقدر بیشتر درس خواهید خواند و این بیدارماندن تا چه حد موجب ایجاد احساس خستگی در روز امتحان خواهد شد.

چ- یک فضای محدود برای انجام پروژه‌های شیمی دانشکده وجود دارد و به همین دلیل مسئول آزمایشگاه تصمیم می‌گیرد بر اساس زمانی که هر دانشجو می‌تواند در آزمایشگاه حاضر باشد به او وقت محدودی برای استفاده از آزمایشگاه بدهد.

ح- شما فهمیده‌اید که با گذراندن یک ترم در خارج از کشور یک ترم زودتر از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوید.

خ- در محل دانشکده یک بورد مخصوص وجود دارد که دانشجویان می‌توانند تبلیغات مربوط به فروش کتاب‌ها و لوازم دست دوم مانند دوچرخه خود را قرار دهند با این توضیح که قیمت تمام دوچرخه‌ها که دارای کیفیت‌های مختلفی هستند، یکسان است.

د- شما از کیفیت بهتری در زمینه انجام آزمایش‌ها در لابراتوار برخوردارید و هم تیمی شما در درس آزمایشگاه در زمینه نوشتن گزارش کار در آزمایشگاه بهتر است و به همین دلیل با هم توافق می‌کنید تا تمام آزمایش‌ها را شما انجام دهید و تمام گزارش‌ها را او بنویسد.

ذ- دولت قانون الزام‌آوری را وضع کرده که بر اساس آن رانندگی کردن بدون گذراندن امتحان رانندگی ممنوع است.

ر- درآمد بعد از کسر مالیات والدین شما به این دلیل افزایش پیدا کرده که کنگره اقدام به کاهش مالیات‌ها کرده است و در نتیجه پول توجیبی شما بیشتر شده و شما می‌توانید برای تعطیلات بهاری پول بیشتری خرج کنید.

۲- بعضی از هزینه فرصت‌های مرتبط با موارد زیر را شرح دهید:

الف - رفتن به دانشگاه به جای کارکردن.

ب- تماشای یک فیلم سینمایی به جای درس خواندن برای امتحان.

پ- رفتن به محل کار با اتوبوس به جای رفتن به آنجا با ماشین خودتان.

۳- با استفاده از اصل هزینه فرصت موارد زیر را توضیح دهید:

الف - افراد بیشتری ترجیح می‌دهند زمانی که وضعیت بازار کار خوب نیست به دانشگاه بروند و مدرک دانشگاهی بگیرند.

ب- افراد بیشتری ترجیح می‌دهند در زمانی که وضعیت اقتصادی خوب نیست و سطح درآمد‌ها پایین است لوازم خانگی‌شان را خودشان تعمیر کنند.

ب- تعداد پارک‌ها در مناطق حومه شهرها بیشتر از مناطق شهری است.
 ت- فروشگاه‌های بزرگ و گران‌تر که قیمت‌های بالاتری را نسبت به سوپرمارکت‌ها ارائه می‌دهند برای افراد پرمشغله که وقت کافی برای خرید ندارند، مناسب‌ترند.
 ث- تعداد کمتری از دانشجویان در کلاس‌های درسی که قبل از ساعت ۱۰ صبح برگزار می‌شوند، شرکت می‌کنند.

۴- در مثال‌های زیر مشخص کنید که چگونه می‌توان با استفاده از اصل تحلیل‌های نهایی دست به تصمیم‌گیری زد:

الف - تصمیم‌گیری در مورد هر چند روز یک بار باید لباس‌ها را برای شستشو به رخت شویی برد.
 ب- تصمیم‌گیری در این مورد که قبل از نوشتن پروژه ترمینان چه مقدار باید تحقیق کتابخانه‌ای انجام داد.
 پ- تصمیم‌گیری در مورد اینکه چند بسته چیپس هر روز بخوریم.
 ت- تصمیم‌گیری در مورد اینکه چند جلسه در هر ترم می‌توان غیبت کرد.

۵- امروز صبح شما انتخاب‌های زیر را صورت داده‌اید:

شما مقداری قهوه از کافی شاپ محله‌تان خریدارید، در ساعات اوج ترافیک با ماشین خودتان تا دانشگاه رفتید و متن دست‌نویسی که هم‌اتاقی‌تان نوشته بود را برای او تایپ کردید (چون تند تایپ می‌کنید) و او در عوض آن به مدت یک ماه لباس‌های شما را خواهد شست. توضیح دهید در هر کدام از این موارد، انتخاب‌های شما چگونه با انتخاب‌های دیگران در ارتباط متقابل بوده است.

۶- کدام یک از موقعیت‌های زیر شرح دهنده موقعیت تعادل و آرامش است و کدام مورد این چنین نیست:

الف - تعداد زیادی از مردم برای رفتن به سرکار از حومه شهر به مرکز شهر رفت‌وآمد می‌کنند؛ اما به دلیل وقوع گره‌های ترافیکی در بزرگراه مدت زمان رفت‌وآمد از بزرگراه‌ها ۳۰ دقیقه و از خیابان‌های فرعی ۱۵ دقیقه است.

ب - در مسیر جاده‌ای بین دو شهر، دو پمپ‌بنزین وجود دارد که یکی هر گالن بنزین را ۳ دلار و دیگری ۲/۵۸ دلار می‌فروشد با این توضیح که شما در پمپ‌بنزین اول بدون معطلی بنزین می‌زنید؛ اما در پمپ‌بنزین دوم باید در صفی طولانی معطل بمانید.

۷- در هر کدام از موقعیت‌های زیر توضیح دهید که آیا موقعیت مورد نظر کارآمد هست یا نه و چرا؟

الف - هزینه برق در خوابگاه شما جدای از کرایه خوابگاه نیست و شما برای استفاده از برق هزینه جداگانه‌ای پرداخت نمی‌کنید و در نتیجه بسیاری از هم‌خوابگاهی‌های شما لامپ‌های اتاق را روشن می‌گذارند و کامپیوترها و لوازم برقی را در زمانی که نیازی به آنها ندارند از برق نمی‌کشند.

ب - تعداد شرکت‌کنندگان در یک درس بیشتر از ظرفیت موجود برای آن کلاس است و در نتیجه آن دسته از دانشجویانی که به گذراندن آن درس برای فارغ‌التحصیل شدن نیاز فوری دارند موفق به ثبت‌نام نمی‌شوند حال آنکه تعدادی دیگر که آن درس برایشان اختیاری است موفق به ثبت‌نام و حضور در کلاس می‌شوند.

۸- مؤثر بودن و کارآمدی موارد زیر را مشخص نمایید:

الف - دولت اقدام به پرداخت تمام شهریه دانشجویان صرف نظر از اینکه آنها می‌خواهند در کدام رشته درس بخوانند، می‌کند.

ب- وقتی افراد شغل‌شان را از دست می‌دهند، دولت به آنها مستمری بیکاری پرداخت می‌کند تا زمانی که آنها برای خودکار پیدا کنند.

۹- در سال ۲۰۱۲ طوفان سندی موجب بروز خسارت‌های سنگینی در ایالت‌های شمال شرقی آمریکا شد و ده‌ها هزار نفر از مردم این ایالت‌ها خانه و کاشانه خود را از دست دادند. حتی آنهایی که به طور مستقیم از این طوفان آسیب ندیدند هم شغل‌شان را از دست دادند. با استفاده از اصل ارتباطات متقابل در سطح کلان توضیح دهید که دخالت دولت در این حالت چگونه می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند.

۱۰- در دوران رکود بزرگ، بسیاری از مزارعی که زمانی پر از محصولات کشاورزی بودند بایر ماندند. با استفاده از اصل ارتباطات متقابل در سطح کلان توضیح دهید که چگونه چنین چیزی ممکن است.